



Image of a Martyr; Haj Qasem Soleimani and Abu Mehdi Mohandes in Sustainability Poetry (Case Study: Poetry by Ali Davoodi and Hamid Helmi)

Fereshteh Maleki Gavani¹ | Mohammad Nabi Ahmadi² | Toraj Zinivand³

1. M.A Student Arabic Language and Literature Dept, University of Razi, Kermanshah, Iran. E-mail: malekifereshteh2@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor of Department of Arabic Language and Literature Dept, University of Razi, Kermanshah, Iran. E-mail: mn.ahmadi217@yahoo.com
3. Professor of Department of Arabic Language and Literature Dept, University of Razi, Kermanshah, Iran. E-mail: t-zinivand56@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 25 October 2020

Received in revised form:
07 July 2021

Accepted: 14 July 2021

Keywords:

Comparative Literature,
Sustainability themes,
Martyrs of Resistance,
Ali Davoodi,
Hamid Helmi,
Haj Qasem Soleimani,
Abu Mehdi Mohandes.

ABSTRACT

Martyr Haj Qasem Soleimani and Abu Mehdi Mohandes are two famous Mujahideen and the manifestation of national authority of Iran and Iraq. With their martyrdom, they blew the spirit of resistance in the West Asian region and in the World. They brought literature to the fore, not in the form of words and sentences, but in their actions and deeds. The literature of the stability of the world in the field of poetry and literature Follow a single orientation. Hence, it has attracted the attention of many writers. Poets and writers in line with the people have reflected the foundations of Sustainability in their woeks and Inthisway, they have encouraged people to fight for their goals. Tody the foundations of sustainability have Crossed borders and choosen different schools for themselves. Examining these themes in two different languages and expanding the scope of the discussion, causes empathy and strengthens as much as possible beyond the borders and increases its effectiveness. This descriptive-analytical study whith a comparative approach based on the Americans school in comparative literature, in tends to address the common themes of stability in the poetry of Ali Davoodi and Hamid Helmi about the two commanders of Martry Haj Qasem soleimani and AbuMehdi Al-Mohandes. Studies show that the axes of struggle in Iran and Iraq have been somewhat similar due to geographical proximity and religious commonalities. The most important finding of this research is determining the literary tools used in the poetry of two poets is that Helmi often resorted to biting satire to represent the tragedy of the martyrdom of the resistance leaders, while Davoodi expression is of the epic and somewhat hopeful.

Cite this article: Maleki Gavani, F., Ahmadi, M. N., Zinivand, T. (2022). Image of a Martyr; Haj Qasem Soleimani and Abu Mehdi Mohandes in Sustainability Poetry (Case Study: Poetry by Ali Davoodi and Hamid Helmi). *Research in Comparative Literature*, 12 (1), 141-157.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5852.2196](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5852.2196)



صورة الشَّهيدَيْن؛ قاسم سليمانِي وأبومهدي المهندس في شعر المقاومة (شعر علي داوودي وحמיד حلمي نموذجاً)

فرشته ملكي گوني^١ | محمد نبي أحمدِي^٢ | تورج زيني وند^٣

١. طالبة مرحلة الماجستير في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: malekifereshteh2@gmail.com

٢. الكاتب المسؤول، أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: mn.ahmadi217@yahoo.com

٣. أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: t-zinivand56@yahoo.com

معلومات المقال	الملخص
نوع المقال: مقالة محكمة	الشَّهيدان «القاسم السليمانِي» و«أبو مهدي المهندس» مجاهدان مشهوران ومظهران من مظاهر السلطة الوطنية لإيران والعراق، وبت استشهادهما روح المقاومة في منطقة غرب آسيا وفي العالم. هما البارزين تجسداً أدب المقاومة تجسداً حقيقياً، لا بالأقوال والجميل فقط بل بأفعالهم. يتبع أدب المقاومة في عالم اليوم في مجال الشعر والأدب اتجاهات واحداً ومن ثم لفت انتباه العديد من الأدباء. أظهر الشعراء والكتاب المتوافقون مع الناس أسس الاستدامة في أعمالهم وبالتالي شجّعوا الناس على النضال من أجل أهدافهم. اليوم، أساسيات الاستدامة اجتازت الحدود واختارت لنفسها مدارس مختلفة. إن دراسة هذه المواضيع باللغات المختلفة وتوسيع نطاق المناقشة، يسبب التعاطف ويقوي هذه المفاهيم قدر الإمكان خارج الحدود ويزيد من فعاليتها. هذا البحث في ضوء المنهج الوصفي - التحليلي والمنهج المقارن مبني على المدرسة الإسلامية في الأدب المقارن، ويهدف إلى تناول موضوعات الاستقرار المشتركة في شعر علي الداوودي وحמיד حلمي عن الشَّهيدَيْن «قاسم السليمانِي» و«أبو مهدي المهندس». تشير الدراسات إلى أن محاور الصراع في إيران والعراق متشابهة إلى حد ما بسبب القرب الجغرافي والقواسم الدينية المشتركة. أهم ما توصلت إليه البحث إليه، مع التحديد الأدوات الأدبية المستخدمة في شعر شاعريه هو أنّ حلمي لجأ في كثير من الأحيان إلى السخرية اللاذعة لتمثيل مأساة استشهاد قادة المقاومة، في حين أن أغلبية تعابير داوودي يكون ملحمياً ومفعماً بالأمل والرجاء إلى الآمال والتطلعات.
الوصول: ١٤٤٢/٣/٨	
التقيح والمراجعة: ١٤٤٢/١١/٢٦	
القبول: ١٤٤٢/١٢/٣	
الكلمات الدلّيلية:	
الأدب المقارن الإسلامي،	
أساسيات الاستدامة،	
شهداء المقاومة،	
علي داوودي،	
حميد حلمي،	
قاسم سليمانِي،	
أبو مهدي المهندس.	

الإحالة: ملكي گوني، فرشته؛ أحمدِي، محمد نبي؛ زيني وند، تورج (١٤٤٣). صورة الشَّهيدَيْن؛ قاسم سليمانِي وأبومهدي المهندس في شعر المقاومة (شعر علي داوودي

وحמיד حلمي نموذجاً). بحوث في الأدب المقارن، ١٢ (١)، ١٤١-١٥٧.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5852.2196](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5852.2196)



سیمای شهید؛ حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در شعر پایداری (مطالعه موردی: شعر علی داوودی و حمید حلمی)

فرشته ملکی گونی^۱ | محمدنبی احمدی^۲ | تورج زینی وند^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: malekifereshteh2@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: mn.ahmadi217@yahoo.com
۳. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: t-zinivand56@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

شهید «حاج قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» دو مجاهد پرآوازه و مظهر اقتدار ملی دو کشور ایران و عراق هستند که با شهادت خود باعث دمیده شدن روح مقاومت در منطقه غرب آسیا و بلکه در جهان شدند. آن‌ها ادبیات پایداری را نه در قالب کلمات و جملات بلکه در عمل و کردار خود به منصه ظهور گذاشتند. ادبیات پایداری امروزه در دنیا در حوزه شعر و ادب جهت گیری واحدی را دنبال می‌کند و به همین دلیل توجه ادیبان زیادی را به خود معطوف داشته است. شاعران و نویسندگان هم‌سو با مردم بن‌مایه‌های پایداری را در آثار خود منعکس و از این روش مردم را به مبارزه در راه اهداف خود تشویق کرده‌اند. امروزه بن‌مایه‌های پایداری مرزها را درنوردیده و مکاتب مختلفی را برای خود برگزیده است. بررسی این بن‌مایه‌ها در دو زبان مختلف و وسعت بخشیدن به دامنه بحث، موجب همدلی و تقویت هرچه بیشتر این مفاهیم در فراسوی مرزها شده و بر میزان تأثیرگذاری آن می‌افزاید. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی، بر آن است تا به مضامین مشترک پایداری در شعر علی داوودی و حمید حلمی درباره این دو سردار شهید بپردازد. بررسی‌های به‌عمل آمده بیانگر آن است که محورهای مبارزه در ایران و عراق به‌علت نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات دینی کمابیش مشابه هم بوده است. مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر ضمن تعیین ابزارهای ادبی به‌کاررفته در شعر دو شاعر آن است که حلمی بیشتر برای بازنمایی حادثه شهادت سرداران مقاومت به هجوهای گزنده روی آورده در حالی که بیان داوودی اغلب حماسی و امیدوارانه است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۳

واژه‌های کلیدی:

ادبیات تطبیقی اسلامی،
بن‌مایه‌های پایداری،
شهادت مقاومت،
علی داوودی،
حمید حلمی،
قاسم سلیمانی،
ابومهدی المهندس.

استناد: ملکی گونی، فرشته؛ احمدی، محمدنبی؛ زینی وند، تورج (۱۴۰۱). سیمای شهید؛ حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در شعر پایداری (مطالعه موردی: شعر علی داوودی و حمید حلمی). *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۲ (۱)، ۱۴۱-۱۵۷.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5852.2196](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5852.2196)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

ادب پایداری دربردارنده آثاری است که تحت تأثیر شرایطی همچون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی پدید می‌آید و گویای رنج‌هایی است که در برهه‌ای از تاریخ بر ملتی وارد آمده است. صرف نظر از ویژگی‌های کلی، این نوع ادبیات، آنچه وجه تمایز آن از سایر مقوله‌های ادبی است، پیام و مضمون آن است. بدین معنا که آثاری از این دست اغلب آینه‌ی مظلومیت‌های مردمی هستند که قربانی نظام‌های استبدادی شده‌اند. «ادب مقاومت در مفهوم امروزی خویش بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصارطلبی دولت‌های آمریکایی و اروپایی شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان و مصر و انقلاب اسلامی ایران باعث آفرینش آثار یگانه‌ای در حوزه ادبیات مقاومت ملل شرقی و اسلامی شد.» (شکری، ۱۳۶۶: ۹۱)

واکاوی مؤلفه‌های اخلاقی پایداری و نهادینه‌سازی آن در جامعه موجبات فراهم آوردن بستری جهت الگوپردازی گزاره‌های اخلاقی می‌گردد؛ زیرا شعر به لحاظ دارابودن ماهیت عاطفی به سرعت در جامعه شیوع می‌یابد و موجبات آگاهی جامعه را فراهم می‌آورد.

وارد شدن ایران به نبرد سیاسی و ژئوپولوتیکی علیه عناصر فتنه در منطقه متأثر از فرهنگ والای جهاد در عرصه سیاسی است. عوامل سبب‌ساز در سرایش اشعار مقاومت پس از فاجعه شهادت سردار سلیمانی و ابو مهدی المهندس موجب معرفی هویت دفاعی و استبداد ستیز ملت ایران و عراق در ابعاد ملی و فراملی شده است. در میان شاعران متعهدی که به آموزه‌های قرآنی و فضائل اهل بیت (ع) متوسل شده‌اند، می‌توان به «علی داوودی»^(۱) شاعر ایرانی و «حمید حلمی»^(۲) شاعر عراقی اشاره کرد که سجایای اخلاقی رهبران جامعه خود را در قالب سروده‌های نغز و دلکش در جامعه بسط داده‌اند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با ارائه مصادیقی از گزاره‌های اخلاقی سرداران شهید، گوشه‌ای از مشقت‌های این شهدای والامقام، در برابر فتنه‌های دولت‌های دست‌نشانده عصر حاضر را بیان دارد و بازتاب‌دهنده مفاهیمی همچون مقاومت، آزادی، همیاری و همدلی، دعوت به مبارزه در جامعه باشد؛ بنابراین در نوشتار پیش رو سعی شده است تا درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار «علی داوودی» شاعر آیینی ایران و «حمید حلمی» شاعر مقاومت عراق که به ترتیب درباره شهیدان والامقام «حاج قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس» است با رویکردی تطبیقی که اساس آن بیان اشتراکات و افتراقات دو اثر موفق در حوزه ادبیات پایداری است، تحلیل شود.^(۳)

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

شعر علی داوودی و حمید حلمی زاینده رویدادهای دو کشور ایران و عراق است. از این رو، با بررسی شعر این دو شاعر متعهد می‌توان دغدغه‌های ادیبان را از جنایات وارد شده به وسیله دولت‌های دست‌نشانده پی برد. افزون بر آن، بازخوانی فرهنگ دو ملت و بیان تئوری‌های مقاومت در برابر تهاجمات سیاسی، فرهنگی و مسائل خاورمیانه و نیز الگوپذیری از شرایط پیش آمده در این راستا بسیار ضروری است. پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر اشعار سروده‌شده در باب دو سردار مقاومت، به لحاظ دارا بودن اشتراکات درون‌مایه‌ای، مضامین مقاومت در اشعار این دو شاعر را در آیین ادبیات تطبیقی مورد کاوش قرار دهد.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- سیمای شهیدان سلیمانی و المهندس در اشعار داوودی و حلمی چگونه بازتاب یافته و درون‌مایه‌های مشترک دو شاعر چه بوده است؟
- داوودی و حلمی در ترسیم سیمای این دو شهید از چه ابزارهای ادبی بهره جسته‌اند؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

پیرامون ادبیات مقاومت و تطبیق آن در اشعار شاعران ایران و عراق مقاله‌های بسیاری نگاشته شده است، از جمله می‌توان به لطفی و زارعی کفایت (۱۳۹۴) اشاره کرد ایشان با بررسی جلوه‌های پایداری در اشعار ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف الرصافی بیان داشته‌اند که هردو شاعر در اشعار خود، بسیار به مؤلفه‌های پایداری توجه کرده‌اند و هدف هردو از این اشعار، هدایت مردم و پیشرفت جامعه بوده است. جباریلر (۱۳۹۴) جلوه‌های پایداری را در اشعار فرخی یزدی و محمدمهدی جواهری بررسی کرده و بیان داشته که شعر هردو شاعر فریاد درد و رنج مردم مظلوم در شرایط نامناسب جامعه است و با زبان تند و انتقادی نابسامانی‌های اجتماع را منعکس کرده‌اند و آزادی را ستوده‌اند. صادقی و چال‌دره (۱۳۹۷) بن‌مایه‌های ادب پایداری را در سروده‌های سلمان هراتی و عبدالوهاب بیاتی بررسی کرده‌اند و بیان داشته‌اند که هردو شاعر گزاره‌های دینی را با حس حماسی وطن‌پرستی درهم آمیخته و مقاومت را با ایدئولوژی همراه ساخته‌اند.

بر اساس جستجوهای به عمل آمده تاکنون پژوهشی با این عنوان در مورد علی داوودی، حمید حلمی صورت نگرفته؛ بنابراین جستار حاضر، پژوهشی نو در خصوص این موضوع است. امید که نتایج حاصل از آن راه‌گشای سایر پژوهشگران ادبیات تطبیقی باشد.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

روش پژوهش در نوشته حاضر، توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و همچنین

فضای مجازی و چارچوب‌های مطرح‌شده در روش ادبیات تطبیقی اسلامی انجام گرفته است که بر مشترکات فرهنگی و اجتماعی میان جوامع اسلامی تأکید می‌نماید. هرچند در برخی موارد تفاوت‌ها و شباهت‌های شعری دو شاعر از باب توارد خاطر و تفاوت‌های محیطی، تفسیر و تحلیل شده است. منبع مورد استفاده برای انجام این پژوهش، اشعار مقاومت دربارهٔ شهادت سرداران شهید «حاج قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس» است که پس از معرفی شرح حال کوتاهی از دو شاعر یادشده و سبک ایشان، به استخراج درون‌مایه‌های تطبیقی پایداری در اشعار آن‌ها پرداخته‌ایم. برای این منظور، ابتدا مضامین مشترک در شعر هر دو شاعر معرفی شده تا به دورنمایی کلی از تأثیر گفتمان اثربخش اسلام در اشعار دو شاعر دست یابیم؛ سپس از آن میان، به جستجوی ابیات و قطعه‌هایی پرداخته‌ایم که با محورهای شهادت دو سردار والا مقام مطابقت دارد و در ادامه سعی شد تا برای هر آموزهٔ دینی، شواهدی از آیات قرآن بیاوریم و نقش سازندهٔ شعر را در غنی‌سازی فرهنگ مقاومت پیاده کنیم.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. چیستی و اهمیت پایداری در ادبیات مقاومت

ادبیات مقاومت در حقیقت، ادبیاتی راستین و دشمن‌ستیز است که نگاه خواننده را به مقولهٔ تأثیرپذیری از رخدادها سوق می‌دهد و او را مجاب می‌کند که از منظر تحلیلی به موضوع بنگرد. این گونهٔ ادبی، زائیدهٔ مفهوم ظلم‌ستیزی است که در حوزهٔ پایداری به خلق اثر می‌پردازد؛ بنابراین به جرئت می‌توان گفت: در شعر معاصر، «شاعران متعهد در آثار خود واقعهٔ عاشورا را از منظر آزادی و پیام‌بیداری نگریسته و به همین دلیل مقاومت مردم لبنان، فلسطین و مبارزان جبههٔ حق علیه باطل را به‌عنوان درسی از کربلا معرفی کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت: که شعر مقاومت در ادبیات عربی، زائیدهٔ شعر عاشورایی است.» (دیاری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶).

از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر مقاومت، تضمین و اقتباس از آیات قرآن مجید و احادیث معصومین است؛ زیرا این ادبیات، ادبیات حماسه و شوریدن و برخاستن است و با تکیه بر اقوال بزرگان و پیشوایان دین با ایراد خطبه از زبان آن‌ها مبنی بر دفاع از کیان خود در برابر دشمن مردم را به مبارزه می‌طلبد.

نقش شهیدان مقاومت به‌عنوان الگویی بی‌بدیل و آینه‌ای تمام‌نمای معرفت و مردانگی از دیرباز کانون توجه سرشت ضد سازش انسان‌های آگاه بوده است. قیام عاشورا تنها مختص جهان عرب و مسلمانان نیست، بلکه در برگ‌برگ تاریخ، هر جا پای استعمار و ظلم وسط می‌آید، قیام عاشورا و ابعاد گستردهٔ آن به‌عنوان یک پوشش فراملی رخ می‌نماید.

۲-۲. درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار علی داوودی و حمید حلیمی

۲-۱-۲. قیام علیه ظلم و بزرگداشت مقام شهید

«تجربه سیاسی-اجتماعی بشر در گستره تاریخ، این امر را اثبات کرده است که استبداد و فقدان آزادی‌های اجتماعی و سیاسی از یک‌سو، همه ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، اجتماعی و معنوی انسان را به نابودی می‌کشاند و از دیگر سو، انواع رذایل فردی و اجتماعی را در دامن خود پرورش می‌دهد.» (محسنی، ۱۳۹۶: ۲۴۱). اشاعه فرهنگ مقاومت در جامعه و غنی‌سازی آن موجبات آگاهی جامعه را فراهم آورده از سوی دیگر، انسان با دستگیری این تعالیم که خط‌مشی آن برگرفته از تعالیم عاشورایی است، فضای فکری مناسبی را برای خود طراحی کرده به‌عنوان راهبردی سرلوحه خود در طول حیات قرار می‌دهد:

«نمرده رستم؛ آری رستمی داریم/ بر بلندای قله‌ی تاریخ در جولان/ هم‌اینک پرچمی داریم/ خاک این میدان، هنوز پهلوان دارد/ مرز ما عشق است.» (داوودی، ۱۳۹۹: ۱۲۷)

داوودی در اشعار فوق مسیر مبارزه را پایان‌یافته نمی‌داند بلکه معتقد است با شهادت سردار مسیر مبارزه با شور و حرارت بیشتری ادامه دارد. وی در بیت اول با به‌کارگیری اساطیر ملی تا حدودی از انگیزه‌های قومی برای تداوم و تهییج به مبارزه استفاده کرده است. «اسطوره، از لحاظ تاریخی، دنباله و همبسته آیین است و بخش گفتاری آن محسوب می‌شود؛ داستانی است که آیین به‌صورت عمل درمی‌آورد آیین در حضور جماعتی به‌وسیله نمایندگان مذهبی آن جماعت برای رفع بلیه و تحصیل خواسته‌ای انجام می‌شود؛ این امری است که منظمًا و مستمرًا بدان نیاز می‌افتد» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۲۱۳-۲۱۴) بنابراین علی داوودی بنابراین گفته دانشمندان ادبیات تطبیقی در شعر زیر از اسطوره تاریخی (آرش کمانگیر) برای ستایش مقام سردار شهید حاج قاسم سلیمانی استفاده می‌کند و همچنین مردم را به قیام علیه ظلم فرامی‌خواند:

«آرش، تیر ایمان در کمان دارد/ راه روشن/ می‌درخشد ماه/ آی مرشد، قصه کن کوتاه/ رجم شیطان است؛ بسم‌الله!» (همان: ۱۲۷)

حمید حلیمی در ابیات زیر به ترسیم برخی از ابعاد شخصیتی ابو مهدی المهندس پرداخته و دلاوری و ایمان توأم با تدبیر سردار را رمز پیروزی حق علیه باطل می‌داند و همچنین شخصیت آزادانه این دو سردار شهید را به گونه‌ای نماد منزلت اجتماعی تلقی می‌کند که در شکست‌های نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه و قلع و قمع داعشی‌ها و گروه‌های تکفیری و مزدوران دست‌آموز استکبار در عراق، سوریه و پیروزی جبهه مقاومت در مبارزات میدانی علیه آمریکا نقش مهمی داشتند:

۱. دُمُ بِالْمَأْتَرِ يَا جَمَالَ مَحْجَةً لِّلسَّائِرِينَ إِلَى النِّقَاءِ وَمُرْشِدًا

۲. وانعم بضحية قاسم في جنة
 ۳. يا أيها البطل المبدد فتنة
 ۴. سلمت يداك فقد خدمت حريقها
 ۵. لولا ملاحك الاية حازماً
 ۶. وغدت أقليمم بحار مذابح
 ۷. ولصار دين الله مسلك مارق
- خُلِقْتَ لِأَجْلِ الصَّادِقِينَ تَوَدُّدًا
 حَمَلْتَ لِأَهْلِينَا هَوَاءً فَاسِدًا
 وَأَعَدْتَ لِلْأَحْبَابِ سِلْمًا وَأَعَدَا
 لَعْنَا الدَّوَاعِشُ فِي الدِّيَارِ مَفَاسِدَا
 وَمَسَاجِدُ الرَّبِّ الْجَلِيلِ أَوَابِدَا
 يُقْصِي الْعُقُورَ وَمَنْ يُؤْمَلُ رَاشِدَا

(حلمی، ۲۰۲۰: ۲۴-۲۵)

(ترجمه: ۱. ای «جمال»! با شاهکارها و رشادت‌های خود جاوید بمان و پیشروی رهروان راه پاکی باش. ۲. و از هم‌نشینی با «قاسم» در بهشت منتعم شو، بهشتی که به عشق راست‌گویان آفریده شده است. ۳. ای قهرمان در هم‌کوبنده فتنه‌ای که امیال تبهکارانه‌ای را برای خانواده‌های ما در سر داشت. ۴. درود بر دستان تو که لهیب این آشوب را خاموش کرد و برای دوستان، صلح موعود را به ارمغان آورد. ۵. اگر نبود دل‌آوری‌ها و رشادت‌های عزت‌مندانه و آینده‌نگر تو، داعش چه فسادها که در سرزمین‌ها به پا نمی‌کرد. ۶. و کوی و برزن‌ها دریای خون می‌گشت و مسجدهای خدا در روی زمین گنم‌گرگان می‌شد. ۷. و دین خدا دستمایه دین‌گریزان بود، عقل‌ها را پس می‌زد و هدایت جویان را از خود می‌رانند.)

۲-۲-۲. انتقاد از وجود خفقان و بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌های تروریست‌ها

هیچ ادب‌پایداری را نمی‌توان عاری از بیان ظلم و جنایت ستمگران و خالی از اشعار افشاگرانه‌ی چهره‌زشت ظلم و ستم دید. علی‌داوودی و حمید حلمی هم چون دیگر شاعران ادب‌پایداری به ذکر جنایت‌ها و ستم‌کاری‌های ظالمان بدطینت می‌پردازند:

۱. تبا لأمريكا الخبيثة مسلکاً
 ۲. يجلو له قتل الأنام تعجزفاً
 ۳. ولما سلاح الشر غاية مطلب
 ۴. دماك أخي أبا مهدي نداء
 ۶. ويطرذ غازياً قتل البرايا
- ولكلٍ وغدٍ ناقمٍ ختار
 والذائدين عن الحمي الأخبار
 لإلثمٍ والعدوانِ والإجبارِ
 يفجرُ ثورةً للحقِّ سُورُ
 وليس يُرْبِئُهُ إلا الصقورُ

(حلمی، ۲۰۲۰: ۵۰-۵۱)

(ترجمه: ۱. ننگ بر مرام آمریکای خبیث و ننگ بر پست‌فطرتان دون‌مایه، کینه‌توز و خائن. ۲. آنکه کشتن مردم و مدافعان حرم نیکوسرشت با قلدری برایش شیرین است. ۳. خط پایان اهداف تو، داشتن جنگ‌افزارهای شرارت است که تنها به گناه، دشمنی و زورگویی می‌اندیشی. ۴. خون تو ای «ابو مهدی» ندایی است که انقلاب خشم‌آلود حق را شکوفا می‌سازد. ۵؛ و متجاوزی را از خود می‌رانند که مردمان بی‌گناه را به قتل رسانند، متجاوزی که جز بازهای

شکاری، کسی یارای نابودی آن‌ها را ندارد.)

«این مسئله که گوینده و شنونده به نوعی با عبارت زبانی ارتباط دارند، «زمینه‌سازی» نام دارد. زمینه را می‌توان «سکویی» دانست که گوینده و شنونده از فراز آن می‌توانند موضوع مورد بحث خود را مفهوم‌سازی کنند و شامل رویداد گفتاری و زمان و مکان گفتار است.» (لانگاکر^۱، ۲۰۰۸: ۱۱۳)؛ بنابراین حلمی بنا بر گفته این زبان‌شناس آمریکایی در اشعار فوق به نوعی بیدادگری دولت آمریکا در منطقه را زمینه‌سازی می‌کند تا بدین طریق به بیان دیکتاتوری دولت آمریکا در عراق و سلطه‌جویی آن در منطقه پردازد، حمید حلمی کلام خود را در رابطه با ظلم و ستم و خفقان حاکم بر جامعه خود با چاشنی هجو درمی‌آمیزد و جزئیات آثار جنگ و خفقان را دقیق توصیف کرده است؛ بنابراین سعی کرده است بهتر از علی داوودی عمل کند و در ادامه به نقش سازنده ابو مهدی که همواره مدافع حقوق ملت عراق بوده تصریح نماید.

شاعر در سروده دیگرش در ابیات زیر به بیان جنایات دیگری از داعش پرداخته و ترور ناجوانمردانه سرداران مقاومت را بیان می‌کند و بر تمام زیرساخت‌های به اصطلاح بشردوستانه آمریکا خط بطلان می‌کشد. حمید حلمی در بیت پایانی از اشعار زیر با به کارگیری اسلوب بینامتنی جزئی کلامش را با بهره‌گیری از آیه‌ای از قرآن ﴿وَمَا أَوْاهُ جَهَنَّمَ وَيَسَّ الْمَصِيرُ﴾ (انفال: ۱۶) به پایان می‌رساند و به گونه‌ای زیبا فرجام و سرنوشت داعشیان را با سرنوشت کافران درمی‌آمیزد همان‌طور که فیلسوف و روشنفکر فرانسوی می‌گوید: «یکی از انواع بینامتنی نفی جزئی یا اجترار است، مؤلف در این نوع از روابط بینامتنی، جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد؛ از این رو، متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک جمله یا یک عبارت یا یک کلمه و مانند آن باشد. چنین تعاملی که به شکل جزئی صورت می‌گیرد، می‌تواند از نظر معنای الفاظ و عبارات، مخالف یا موافق با متن غایب باشد.» (کریستوا، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۹):

۱. فَفُتِرَتْ مُجَاهِدًا وَمَضِيَّتْ حُرًّا وَسَارَتْ فِي كِتَابِكِ النَّسُورُ
۲. وَأَنْزَلْتَ السَّبْلَاءَ عَلَى الْأَعَادِي دَوَاعِشَ أوردُوا بِسِنَّ الْمَصِيرِ

(حلمی، ۲۰۲۰: ۴۹)

(ترجمه: ۱. مجاهدانه تاختی و آزادانه شهید شدی و در گردان‌های تو عقاب‌ها به حرکت درآمدند. ۲. تو بر دشمنان بلا نازل کردی؛ همان داعشی‌هایی که به بدترین سرنوشت‌ها دچار شدند.)

یکی از جلوه‌های ادب پایداری ظلم‌ستیزی است. انسان آزاده موظف است همه همت خویش را به کار گیرد که با ستمگران به ستیز برخیزد. این مقوله در شعر شاعران پایداری به وفور دیده می‌شود. علی داوودی شاعر

مقاومت با تأسی از این مقوله، به بیان جنایات این عناصر فتنه پرداخته و بازتاب وسیعی از دل‌ورمردی‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در اشعار خود جای داده است:

«این سیاهی، قصه‌ی شب نیست؛ گیسو نیست/ این نقاب تیره‌ی قوم سیاهان است/ قصه این است، آی مردم: ماه پنهان است!/ این سیاه جهل در دنیای آگاهی/ در شب بی روی آسایش؛ شب سرکش/ مرغ دانش، بال و پر بسته/ روح داعش/ خدمت ابلیس یاغی را کمر بسته/ خانه‌ها و شهرها را/ مرگ دارد می کند جارو/ آسمان غرق گرمب و بمب/ در شب دیوان شب جادو/ هان و هان. رعد صدا/ گویی کسی بر طبل می کوبد/ در هیاهوی رجزخوانی/ هم به حکمش ایستاده باد/ در شب طوفان؛ چه طوفانی!/ نک بین بر طبل می کوبد سلیمانی!/ شیر. آهن کوه. مرد او که/ چشمش آیه‌ والفجر/ جانش سوره‌ والتین و الزيتون/ یادگار جبهه‌ ارونند/ در کلامش شورش کارون.» (داوودی، ۱۳۹۹: ۱۲۵-۱۲۶)

«اصطلاح «لا وجود» در میان فیلسوفان زبان و به تبع آن در معنی‌شناسی کاربردی، اشاره به لفظی دارد که مصداق خارجی نداشته باشد. در این صورت، گوینده درباره‌ چیزی سخن می‌گوید که «لا وجود» است.» (صفوی، ۱۳۹۴: ۹۷) بنابراین علی داوودی در اشعار فوق مردم را به قیام فراخوانده و تبلور احساس خود را از وخامت اوضاع و ظلم و ستم تروریست‌ها را بنابر گفته کورش صفوی در قالب کلمات و عبارات «لا وجودی» چون «شب سرکش، ابلیس یاغی، سیاه جهل و شب جادو» که مصداق خارجی ندارند بیان می‌کند و شب را به انسان نافرمان و متمرّدی تشبیه می‌کند پس بنابر استعاره‌ مکینه، مستعارمنه یعنی انسان را حذف کرده و یکی از صفات او یعنی فرمان‌ناپذیر و طغیانگر را برای مستعارله یعنی شب آورده است و این گونه خیال‌انگیزی شعرش را غنی ساخته است.

با دقت نظر در واژه‌های فوق می‌توان چنین برداشت کرد که هدف شاعر در کاربرد این واژه‌ها در این اشعار، ملموس ساختن امور انتزاعی بوده تا بدین وسیله تأثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد. داوودی در قسمت دیگری از ابیات فوق برای بهتر منتقل کردن مفهوم صنعت «کنایه از موصوف» را به کار می‌برد. «منظور از کنایه از موصوف این است که مکنی به صفت یا مجموعه‌ چند صفت یا جمله و عبارت وصفی یا بدلی (مضاف و مضاف‌الیه) است که باید از آن متوجه موصوفی شد؛ به عبارت دیگر وصف و صفتی را می‌گوییم و از آن موصوف را اراده می‌کنیم.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۳۶) او در یک مضمون سیاسی برای اینکه خشم و نفرت خود را بهتر به‌نمایش بگذارد، با عبارت «این سیاهی قصه شب نیست، گیسو نیست» گروه تکفیری داعش را اراده می‌کند.

پس «این سیاهی» کنایه از موصوف است و این گونه میزان مبالغه کلام را بالا برده است؛ همچنین این شاعر توانای ایرانی با به کار بردن عبارت: «این سیاه جهل در دنیای آگاهی» که مقصودش حضور گروه تکفیری داعش در دنیای علم و آگاهی است را با بیانی انتقادی و با استفاده از اسلوب «پارادوکس تناقضی» بهتر به تصویر می کشد و ذهن مخاطب را برای ژرف اندیشی بیشتر و درک درست و عمیق از مفهوم شعری اش به چالش می کشد. «تصویر پارادوکسی، تصویری است که دو روی ترکیب آن، به لحاظ مفهوم یکدیگر را نقض می کنند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۵۴)

داوودی در عبارت: «خانه‌ها و شهرها را مرگ دارد می کند جارو» با استفاده از صنعت استعاره^(۴) مکنیه مرگ را انسانی می پندارد که خانه‌ها و شهرها را ویران می کند در اینجا شاعر برای اینکه فضای شعر و غرض شعری اش برای خواننده ملموس باشد و بتواند آن را همچون تصویری پیش رویش حس کند از جان بخشی و استعاره مکنیه استفاده می کند و مستعار منه یعنی انسان را حذف کرده و یکی از لوازم و صفاتش یعنی جارو کردن را برای مستعار له یعنی مرگ به عنوان امری معنوی و بی جان آورده و این گونه ظرفیت معنایی واژگان شعری اش را غنی و مفهوم آن را ژرف و قابل تأمل ساخته است.

۲-۳-۲. همیاری و هجرت به سرزمین دیگر جهت کمک به مسلمانان بی پناه

خداوند بندگان خود را به جهاد در راه حق و دفاع از حیثیت و موجودیت اسلام و مسلمانان فراخوانده است: ﴿وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره: ۲۰۷). اهمیت جهاد نه تنها در قرآن بلکه در نهج البلاغه نیز آمده است: «فَمَنْ تَرَكَ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تُوْبَ الدُّلِّ وَ سَمَلَهُ الْبَلَاءَ وَ دَيْتَ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءِ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدْبِلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ الْحَسْفَ وَ مُنِعَ التَّصَنَّفَ...» (فحج البلاغه، خ ۲۷: ۹۶)

«پس هر کس از آن روی برگرداند خداوند لباس خواری بر او پوشاند و بلا را شامل حالش می کند و زیر چکمه فلاکت خورد می شود و عقلش را از دست می دهد و به قلب‌های او تیرهای غضب را می زند و به کیفر فرار از جبهه حق از او روی گردان می شود و سختی و مشقت بر او فرود می آید و عدالت از او روی برمی گرداند.» (دشتی، ۱۳۹۲: ۳۰)

بازتاب این خطبه در عملکرد دفاعی کشور ایران که دفاع از حق مظلوم جزء آرمان‌های اساسی آن محسوب می شود، سران نظامی را بر آن داشت تا در مقابل این غده سرطانی با تمام کیان دفاعی خود بایستند. این عملکرد مثبت در شعر علی داوودی انعکاس گسترده‌ای داشته است «تصویرسازی موضوعی است که هم به روان‌شناسی و هم به تحقیق ادبی مربوط می شود. در روان‌شناسی، لغت «تصویر» به معنی بازسازی ذهنی یا خاطره تجربه ادراکی یا احساسی گذشته است که ضرورتاً دیداری نیست» (ولک و وارن، ۱۳۷۳:

۲۰۸؛ بنابراین علی داوودی در اشعار زیر به شکلی زیبا و ادیبانه و بنابر گفته این دانشمندان ادبیات تطبیقی با استفاده از تصویرسازی از یک سو بی پناهی مردم عراق و از سوی دیگر اعزام مدافعان را برای کمک به مسلمانان بی پناه بیان می‌دارد.

با استفاده از عبارت «بانگ خورشیدی» که مقصود همان اعزام مدافعان حرم برای کمک به مسلمانان بی پناه است آن را به زیبایی به تصویر کشیده است. داوودی در ابیات زیر فضایی مملو از ظلم و ستم خلق می‌کند و برای اینکه این فضا بهتر به نمایش گذاشته شود از استعاره مکینه استفاده می‌کند و شب را به انسانی محزون و گرفتار تشبیه می‌کند پس بنابر استعاره مکینه، مستعار منه یعنی انسان را حذف کرده و یکی از صفات او که دلگیر و گرفتار بودن است برای مستعار له یعنی شب آورده است و این گونه لطافت معنایی و خیال‌انگیزی شعرش را غنی ساخته است:

«گور تنگ آرزو؛ سرما/ در شب چنبره زده. چون اژدهایی مرده دم/ بر خویشتن؛ بر ما/ در شبی از نطفه نیزه تبار تیر/ کو صدایی... هان؟ به غیر از ناله زنجیر/ در شب دلگیر و دامن گیر شام اما/ بی پناهان/ پرس پرسان یک ز یکدیگر/ که آیا رو به فردا هست امیدی؟/ می‌نوازد صبح ما را باز آیا بانگ خورشیدی؟» (داوودی، ۱۳۹۹: ۱۲۳-۱۲۴)

حلمی نیز مشقت‌های سردار شهید ابو مهدی المهندس را یادآور می‌شود و ضمن آن به نیرنگ دولت آمریکا اشاره می‌کند؛ و نیز در ابیات زیر چون «موقعیت» عراق، موقعیتی تحت ظلم و استبداد است بدین ترتیب حمید حلمی به خوبی اهمیت اعزام و هجرت مدافعان وطن به کشورهای همسایه و همکاری‌ها و تاکتیک‌های بین‌المللی جهت سرکوبی آمریکا را در شعرش انعکاس داده است. همان‌طور که محقق و زبان‌شناس آلمانی می‌گوید: «عامل موقعیت^۱ یکی از معیارهای متن بودگی است. پاره‌گفتارهای زبانی (گفتاری و نوشتاری) از زمینه‌یئات و علایق تولیدکنندگان و مخاطبین متن شکل می‌گیرند. برای درک مناسب بافت، بین موقعیت تولید و دریافت متن تفاوت وجود دارد. این بافت‌ها از عوامل شخصی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌شوند؛ بنابراین عامل موقعیت تابع تمام عواملی (مانند زمان، مکان و اوضاع و احوال) است که متنی را برای یک موقعیت ارتباطی جدید آماده می‌سازند.» (سندیج،^۲ ۲۰۰۶: ۴۱۳). دیدگاه حلمی وسیع‌تر و فراگیرتر از دیدگاه علی داوودی است؛ زیرا حلمی به دل‌آورمردی‌های سرداران مقاومت در سایر ملت‌ها سوریه، عراق و فلسطین واکنش نشان می‌دهد، حال آنکه چنین دیدگاهی در شعر علی داوودی نمود

کمتری دارد. حلمی در بیت ششم استعاره مصرّح‌های را به کار برده و مشبه‌به (محبت و مهربانی) را ذکر کرده ولی مشبه (شهیدان سلیمانی و المهندس) را اراده کرده است و این‌گونه میزان لطافت معنایی کلامش را غنی ساخته است:

- | | |
|-----------------------------------|--|
| ۱. یا راحلین الی العلاء هیمّة | بورکتّمَا مَثَلًا إِلَیْهِ يُشَارُ |
| ۲. یا صانیعی نصرِ العراقِ وشعبیه | ها أُنْتَمَا قَوْلُ هُوَ الإِصْرَارُ |
| ۳. بکما استصال الأمان فوق رُبوعنا | والمارقونَ شعارهم إ دبارُ |
| ۴. عرفتک أرضُ الرافدینِ وسوریا | وكتائبُ الأبطالِ والأَنْصارِ |
| ۵. ورؤیى فلسطینَ السلبیة کلّها | والغصنُ یجملُ طیب الأثمارِ |
| ۶. فقد قتل اللطفَ الجمیل مُدافعاً | عَنِ الصِّدْقِ وَالإیمانِ وَالصَّلواتِ |
| ۷. فعلى سلیمانی اللامُ تحیةً | والی ابي مهدي النبیل الغارُ |

(حلمی، ۲۰۲۰: ۵۱ و ۵۲)

(ترجمه: ۱. ای کسانی که با نیروی عزم و اراده به عرش الهی سفر کردید، احسنت بر شما! ای الگوهای که به آن‌ها اشاره می‌شود. ۲. ای تحقق‌بخش پیروزی عراق و مردم آن، اکنون شما سخنی هستید که همان پافشاری است. ۳. به وسیله شما امنیت در سرزمین‌های ما گسترش یافت و شعار دین‌گریزان، گریز و فرار است. ۴. تو را سرزمین دجله و فرات و سوریه و گردان‌های قهرمانان و یاران جنگ شناخت. ۵؛ و همه تپه‌های فلسطین اشغالی و همه شاخه‌هایی که نیک به بار نشست‌اند. ۶. او «ترامپ»، «لطف جمیل» را به شهادت رساند، همو که از راستی‌ها و ایمان و نماز دفاع می‌کرد. ۷. پس بر سلیمانی مرد صلح، درود و سلام بر ابو مهدی شریف و غیرتمند.)

آنچه قابل ملاحظه از تحلیل اشعار شاعران این است که حمید حلمی در اشعار خود به جزئیات کمتری تکیه کرده و زبان شعری وی به مراتب ساده‌تر است؛ از این رو آرایه‌های ادبی کمتری نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ در حالی که علی داوودی از زبان شعری دشوارتری برخوردارند و آرایش لفظی بیشتری نیز در اشعار وی وجود دارد.

۲-۲-۴. همت و تلاش برای حفظ یکپارچگی در ابعاد فراملی

رشادت رزمندگان در جنگ، حضور جوان‌ترین و پیرترین رزمنده در جبهه موجب آن شد که انقلاب اسلامی به ثمر برسد و این پیروزی، مرهون تلاش مستمر و همت مردم ایران چه در جبهه و چه پشت جبهه‌ها بود. در این میان، شاعران نیز رسالت خویش را همگام با مردم به انجام رسانده و به بازنمایی گوشه‌هایی از تلاش‌های رزمندگان در برابر دشمن پرداخته‌اند.

یکی از ویژگی‌های بارز ادب پایداری، جنبه فراملی بودن آن و دفاع از مظلومان جهان است. حمید

حلمی در ابیات زیر به بیان تلاش و مجاهده سردار ابو مهدی المهندس در جبهه‌های نبرد و چگونگی مقابله با داعش پرداخته است، از آنجا که مسئله داعش از حساس‌ترین مسائل سیاسی منطقه است؛ بنابراین این مسئله راهبردها و تاکتیک‌های پیشرفته‌ای می‌طلبد که ملت عراق به تنهایی جوابگوی آن نبوده و سعی کرده است به مسئله تعاون و همکاری‌های همه‌جانبه دو ملت ایران و عراق در سرکوب این غده سرطانی اشاره کند. تصویری که حمید حلمی از سرداران مقاومت ارائه می‌دهد، بیانگر گرایش‌های انسانی و توجه شهیدان والامقام به درد و رنج سایر ملت‌ها است و به نوعی میان آن‌ها و مردم ستمدیده حسی مشترک و دردی مشابه بیان می‌دارد؛ بنابراین به این نکته اشاره می‌کند که ملت ایران حس انسان‌دوستی خود را فراتر از مرزهای کشور خود برده‌اند:

- | | |
|--|--|
| ۱. وَأَنْتَ مُجَاهِدٌ مُدْكُنْتَ غَضًّا | وَفِي زَمَنِ خَبَا فِيهِ النَّضَالُ |
| ۲. وَكُنْتَ مُكَافِحًا تُحْمِي عِرَاقًا | أَتْتَهُ نَوَائِبَ وَعَدَى جُفَالًا |
| ۳. الشَّعْبُ فِي إِيْرَانٍ أَطْلَقَ صَرْخَةً | سَتَهْدُ سَطْوَةَ قَاتِلِ الْمَغْوَارِ |
| ۴. حَمَلَتْكَ أَيْدِي عَاشِقِيكَ مُشِيْعًا | يَا قَاصِمَ الْفُجَارِ وَالْأَشْرَارِ |

(حلمی، ۲۰۲۰: ۱۲ و ۵۲)

(ترجمه: ۱. شما از جوانی مجاهد بوده‌اید و در زمانی که مبارزه کمرنگ شد. ۲. شما مبارز و محافظت‌کننده (حامی) عراق بودید که مصیبت و دشمنی‌های همه‌جانبه‌ای بر آن وارد شد. ۳. ملت ایران فریادی کوبنده سر داد که قدرت قاتل زورگو را به‌زودی در هم خواهد شکست. ۴. تو بر روی دستان عاشقانت تشییع شدی، ای درهم کوبنده بدکاران و اشرار.)

مقاومت ایرانیان در صحنه جهانی با تکیه بر گفتمان نواندیش مقام معظم رهبری در عصر حاضر رسانه‌هاست و ملت ایران به‌عنوان ملتی مقاوم و ولایت‌مدار در عرصه بین‌المللی شناخته شد. همین باور قلبی موجب شد که رزمندگان با جان و دل در راه خداوند و حقانیت اسلام، نه تنها در داخل کشور، بلکه این بار در عرصه فراملی جان سپارند. داوودی نیز با تاسی از این مفاهیم به ذکر دلاورمردی‌های حاج قاسم پرداخته است. وی همچنین بیان می‌دارد که با شهادت ایشان شعله‌های مبارزه خاموش نشده و مبارزه برای سرکوبی رژیم غاصب آمریکا همچنان ادامه دارد. علی داوودی با به‌کاربردن عبارت «هم‌اینک پرچمی داریم» در سروده‌اش با اندیشه اسلامی خود بااراده قوی در مقابل استعمار می‌ایستد و مردم را برای ایستادگی برای حفظ هویت دعوت می‌کند. از نظر او زمانی یک ملت و سرزمین پابرجاست پرچمش که نمودی از هویت دینی و ملی است همواره برافراشته باشد زیرا افراستگی نشان از سربلندی ملتی دارد که هرگز تحت لوای ظلم نرفته و بدین‌گونه به همت و تلاش سردار شهید سلیمانی در کشورهای تحت ستم اشاره می‌کند:

«نمرده رستم؛ آری / رستمی داریم / بر بلندای قله‌ی تاریخ در جولان / هم‌اینک پرچمی داریم / خاک این میدان، هنوز پهلوان دارد / مرز ما عشق است / آرش، تیر ایمان در کمان دارد.» (داوودی، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

۲-۵. شفقت و دلسوزی با هدف حفظ تمامیت ارضی قلمرو جهان اسلام

در قرآن کریم، مصادیق بسیاری برای دلسوزی بیان شده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸). «همانا رسولی از جنس شما و برای هدایت شما آمد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر آسایش و نجات شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است.» شفقت و دلسوزی و برآوردن حاجات مؤمنان و تمایل به رفع گرفتاری و دستگیری از محرومان نتیجه‌ی خودسازی و تهذیب نفس است.

علی داوودی در ابیات زیر وخامت اوضاع منطقه و رویکردهای سیاسی را بازنمایی کرده است و گریزی به مسئله شفقت ملت ایران در اعزام نیروهای کارآمد به جبهه‌های مقاومت زده است؛ بنابراین علی داوودی مقصودش از عبارت «گلّه بی‌چوپان» همان دولت عراق است که امروزه درگیر مسائل داخلی کشور خود است و دریافت ما از معنای این عبارت زبانی بسیار فراتر از معنای آشکار آن است؛ بنابراین شاعر در این ابیات عمل انسانی ملت ایران از اعزام مدافعان را بار دیگر ذکر کرده است و در حقیقت به آن بالیده است:

«از کران تاب‌بی کران شب / بر زمین گسترده‌اندوهی لبالب / شد جهان تیره / تیرگی از تیره‌ی شیطان / خستگی بر جسم و جان چیره / زوزه‌ی باد است گویا / مانده گویا گلّه بی‌چوپان! / در شب وحشت / هراس از راه؛ از رهن / پس به فتوای دل نومید باید شمع را کشتن! / که آیا رو به فردا هست امیدی؟ شب اگرچه جلوه‌ناز است / خلوت آن یار پیدای مبارک / را / پرده‌راز است / شب اگر هرچند تار، اما نشان یار / شب، در رحمت به روی مردمان باز است.» (داوودی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

در ابیات بالا از علی داوودی، «باد» یکی از عناصری است که وی در قالب آن به بیان مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد که بیانگر فضای استبداد دولت عراق و تمامی عوامل نامساعدی است که این ملت با آن دست‌به‌گریبان است. «باد در شعر معاصر به دلیل نقش اجتماعی، کنش‌های سیاسی و نگرش خاص شاعران این دوره کارکردی جدید می‌یابد؛ باد در شعر فوق و نمونه‌های فراوان آن در شعر معاصر، رمز ویرانگری، خرابی، هرج و مرج و درنهایت دگرگونی است.» (پورنامداریان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۵)؛ بنابراین داوودی با استفاده از نماد «زوزه‌ی باد» به صورتی غیر مستقیم و نمادین شروع جنگ را به شکل هولناکی به دولت استعمارگر آمریکا و گروه تکفیری داعش گوشزد می‌کند؛ و این‌گونه شفقت ملت ایران را به تصویر می‌کشد.

همان‌طور که دانشمند ادبیات تطبیقی می‌گوید: «سنبل (نماد) به معنای بیان غیر مستقیم عواطف درونی است که واژه‌های قراردادی قدرت بیان آن‌ها را ندارد. نماد (نمودگار) عبارت از رابطه میان جوهر و اشیاء است. شاعر با ادراکی که دارد به وسیله تفسیر و تعبیر نمادها می‌تواند حقیقت را احساس کند نه با بیان صریح و مستقیم» (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۵۱۵)

حمید حلمی نیز در ابیات زیر به جانبازی و رزم حماسه‌ساز شهید حاج قاسم سلیمانی اشاره کرده که با مبارزه در راه حق خفت و خواری را از ملت عراق زدوده و گریزی هم به شعر متنبی زده است:

مَنْ يَهْنُ يَسْهَلُ الْهَوَانَ عَلَيْهِ مَا جُرِحَ بِمَيِّتٍ إِلَّا مُمْ

(متنبی، بی‌تا: ۴۸)

(ترجمه: کسی که تن به خواری سپارد، اندک‌اندک، تحمل خواری بر وی آسان گردد، همان‌گونه که اگر بر پیکر مرده بیشتر زنند، احساس درد نمی‌کند.)

بنابراین حلمی دولت آمریکا را کسی می‌داند که چشم بر روی تمام جنایت‌هایش بسته است و همچنان به ذلت و خواری تن می‌دهد؛ و در این ابیات نیز شفقت و دلسوزی ملت ایران و حمایت حاج قاسم سلیمانی را به ملت مسلمان عراق یادآور شده و به‌خاطر این حرکت ایران از ایشان سپاسگزاری کرده است:

۱. فَفَدَّ عَمِيَّتَ قُلُوبِ دَوِي الْخَطَايَا وَمَنْ شَرِبَ الْهَوَانَ فَلَا يَشْوُرُ
 ۲. الشَّعْبُ فِي إِيرَانَ أَطْلَقَ صَرْخَةً سَتَهْدُ سَطْوَةَ قَاتِلِ الْمَغَوَارِ
 ۳. شُكْرًا سَلِيمَانِي وَمُتَهَنِّئًا فَالْإِصْرَارُ إِنْتَاطَلَقَتْ وَبِالْإِصْرَارِ

(حلمی، ۲۰۲۰: ۴۹ و ۵۲ و ۵۳).

(ترجمه: ۱. قلب‌های خطاکاران مرده است و هر آنکه شراب سستی را بنوشد، هرگز نمی‌خروشد. ۲. ملت ایران فریاد کوبنده‌ای سر داد که قدرت قاتل زورگو را به‌زودی در هم خواهد شکست. ۳. سپاس ای «سلیمانی» و آسوده بخواب، زیرا این پرچم همچنان برافراشته می‌ماند و به راه خود ادامه می‌دهد.)

۳. نتیجه‌گیری

در اشعار دو شاعر متعهد با ادله‌های قوی و اسلوبی حکیمانه، مباحث مقاومت چون بیان بیدادگری ظالمان، تحقیر و استهزاء دشمن، ستایش و تکریم مقام شهید، علمداری و... به چشم می‌خورد. در یک نگاه به توصیفات هر دو شاعر در مورد مقوله استبداد، به‌وضوح مشخص است که حمید حلمی جزئیات آثار جنگ و خفقان را دقیق توصیف کرده است؛ اما داوودی به‌صورت کلی، به بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌های ستمگران پرداخته است. شاید علت آن باشد که حلمی مستقیماً درگیر خفقان حاکم بر جامعه خود بوده و شاعر از عمق وجود خود، آن را درک کرده، حال‌آنکه در ایران، خبری از جنگ و حضور مستقیم تروریست‌ها نبود.

علاقی و عواطف هر دو شاعر نسبت به اصل ولایت‌مداری و پرچم‌داری، مدینه فاضله‌ای را به تصویر می‌کشد که شاخصه‌های آن براساس رشد و تعالی انسانی تعریف می‌شود که در راه باورهای راستین خود از جان‌مایه می‌گذارد. باورهایی که خط‌مشی آن برگرفته از محورهای عاشورایی است.

هر دو شاعر برای ملموس نشان دادن امور انتزاعی، از صنایع بیانی چون تشبیه و استعاره و تصاویر ذهنی کمک گرفته‌اند و در حقیقت؛ این صنایع بیانی مرجع حوزه محاکاتی و گستره تخیل شاعران را نشان می‌دهد؛ اما نمی‌توان از بیان این حقیقت خودداری کرد که داوودی بهتر و مؤثرتر توانسته است از صنایع بیانی استفاده کند و تصویرسازی‌های زیادی در شعرش وجود دارد.

علی داوودی بین رفتار و گفتار و عملکرد رهبران مقاومت در تربیت و سازندگی جامعه رابطه دوسویه برقرار می‌کند. بدین منظور مؤلفه‌های درس آموز و انسان‌ساز عاشورایی می‌تواند به‌عنوان متغیری اثرگذار نصب العین افراد جامعه قرار گیرد. این در حالی است که دیدگاه حمید حلمی به مقوله استبداد و تبعات آن در منطقه و استراتژی ملت ایران و عراق در مقابل این حرکت نسبت به علی داوودی افراطی‌تر است و گاه کلام خود را با چاشنی هجو می‌آمیزد. دغدغه هر دو شاعر، بازسازی جنایات آمریکا در منطقه و نیز بیان تلاش‌های همه‌جانبه ملت ایران و عراق از اعزاز نیروهای کارآمد نظامی برای از بین بردن این غده سرطانی و جریان فتنه است که تهدیدی برای اسلام در عصر حاضر است.

مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر این است که با بررسی شاخصه‌های ولایت‌مداری مبتنی بر مفاهیم پایداری، مشخص کردید که این مسئله، تأثیر بسزایی در ادبیات شیعه داشته است؛ زیرا برای هر مفهوم از مفاهیم اخلاقی، توانستیم نمونه‌ای از اشعار گزیده شده از دو شاعر شیعه، یا آیه‌ای از قرآن بیاوریم. این بدان معنا است که مباحث اعتقادی و مذهبی ملت ایران و عراق در راستای آموزه‌های اخلاقی اهل بیت (ع) و تعالیم انسان‌ساز عاشورا که زیربنای ادبیات پایداری است، قرار می‌گیرند.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) علی داوودی در سال ۱۳۵۲ در همدان متولد شد. وی به‌عنوان طراح، گرافیست و شاعر فعالیت داشته است. او تحصیلات خود را تا دیپلم در قم سپری کرد و مدرک کارشناسی در رشته گرافیک و کارشناسی ارشد را در رشته ادبیات اخذ نمود. داوودی از سال ۱۳۷۰ به‌طور جدی سرودن شعر را آغاز کرد. وی اکنون در تهران ساکن است و در دفتر شعر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری تهران فعالیت می‌کند. از آثار او می‌توان به «مردگان بسیارند»، «نام تو چیست»، «چاپ بیروت» و «گاهی حواست نیست» اشاره کرد که توسط انتشارات شهرستان ادب به چاپ رسیده است که به ترتیب اشعار نیمایی، غزل و سپید شاعر را شامل می‌شود. (شاعر، ۱۳۹۹)

(۲) حمید حلمی متولد ۱۷ فروردین سال ۱۳۳۶ در بغداد - پایتخت عراق - از والدین مهاجر کرد فیلی به عراق پشتکوه شیروان چرداول است. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در بغداد گذراند در سال ۱۹۷۷ م. وارد دانشگاه مدیریت و اقتصاد

دانشگاه بغداد شد. هم‌زمان با پیروزی انقلاب وارد فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم سرنگون‌شده بعث صدام گردید و با دوستان عراقی وارد فعالیت مذهبی شد در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ وی به اتفاق پدر و دو برادر خویش در بازار شورجه بغداد به بهانه داشتن تابعیت ایرانی، دستگیر و راهی زندان امنیتی مرکز بغداد و تحت فشارهای روحی شدید قرار گرفتند. پس از ده روز زندان از مرز خانقین عراق به مرز خسروی ایران تبعید گشتند. رژیم امنیتی عراق کلیه املاک، وسایل خانه، مغازه پدری و مدارک تحصیلی را از او گرفتند. حمید حلمی در سال ۱۳۶۳ در روزنامه کیهان عربی با وضعیت قراردادی شروع به کار کرد. پس از آموختن زبان فارسی به مدت دو سال به صورت حق‌التدریسی در مدارس راهنمایی و دبیرستان مناطق مختلف تهران به تدریس زبان عربی پرداخت. از کتابخانه وزین مؤسسه کیهان و روزنامه‌های عربی زبان که از لبنان، سوریه، کویت و الجزایر و کشورهای عربی دیگر می‌آمد برای تقویت ادبیات عرب خود استفاده می‌کرد و گرایش وی بیشتر به خواندن شعر بود. (ارسال شده توسط شاعر: ۱۳۹۹).

(۳) دلیل انتخاب این موضوع و پرداختن آن در مقاله به آن جهت بوده که آن را منبع جامعی برای پیاده کردن تعالیم اسلام یافتیم. همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، شهادت این سرداران گوشه‌ای از دلاورمردی‌های ملت ایران و عراق را بازنمایی کرده و در حقیقت شناسنامه مقاومت و پایداری این ملت‌ها در رویارویی با این عناصر فتنه در عصر حاضر به‌شمار می‌آید.

(۴) استعاره در اصطلاح: یعنی به کاربردن لفظ در غیر معنای حقیقی خود، به علاقه مشابهتی که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد البته باید دارای قرینه‌ای باشد که از اراده معنای حقیقی جلوگیری کند. (تفتازانی، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

منابع

- قرآن مجید (۱۳۸۴). ترجمه محمد مهدی فولادوند. چاپ چهارم. تهران: دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه (۱۳۹۲). ترجمه محمد دشتی. چاپ چهارم. قم: امیرالمؤمنین (ع).
- آفی، نوئل مک. (۱۳۸۴). *ثولیا کریستوا*. ترجمه مهرداد پارسا. تهران: مرکز پورنامداریان، تقی؛ خسروی شکیب، محمد (۱۳۸۷). *دگرذیسی نمادها در شعر معاصر*. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی (پژوهش زبان و ادبیات فارسی)*، (۱۱)، ۱۴۷-۱۶۲.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۸۹). *شرح المختصر*. چاپ ششم. قم: اسماعیلیان.
- حلمی البغدادی، حمید (۲۰۲۰). *أصفياء العراق*. بیروت: مؤسسه البلاغ.
- داوودی، علی (۱۳۹۹). *ققنوس قدس*. چاپ اول. قم: خط مقدم.
- دیاری نژاد، عزت‌الله (۱۳۹۴). *تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی «مطالعه موردی: جلد دوم کتاب ادب الطف»*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی. استاد راهنما: تورج زینی‌وند. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- شکری، غالی (۱۳۶۶). *ادبیات مقاومت*. ترجمه محمدحسین رحمانی. تهران: نشر نو.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *بیان*. چاپ چهارم. تهران: فردوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۱). *شاعر آینه‌ها*. چاپ سوم. تهران: آگاه.
- صفوی، کورش (۱۳۹۴). *معنی‌شناسی کاربردی*. چاپ سوم. تهران: همشهری.

- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- قربانی، مهدی (۱۳۸۸). *هزار و یک حدیث رضوی*. ترجمه علی آیتی. مشهد: قاف مشهد الرضا (ع).
- محسنی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). بازتاب پیامدهای استبداد در شعر احمد مطر. *نشریه ادبیات پایداری (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)*، ۹ (۱۶)، ۲۳۸-۲۵۸.
- متنی، احمد بن حسن (بی‌تا). *دیوان متنی*. بیروت: دار صادر.
- ولک، رنه؛ آوستن، وارن (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی.

References

- Quran Majid* (2005). Translated by Mohammad Mehdi Fooladvand. Fourth edition. Tehran: Dar Al-Quran Al-Karim (In Arabic).
- Nahj al-Balagheh* (2013). Translated by Mohammad Dashti. Fourt edition. Qom: Amir al-Mu'minin (In Arabic).
- Afi, N. M. (2005). *Julia Kristova*. Translated by Mehrdad Parsa, Tehran: Markaz (In Persian).
- Davoodi, A. (2020). *Poenix Quds*. First Edition. Qom: Khat Moghadam (In Persian).
- Diarinejad, E. A. (2015). *Content and structural analysis of Rasaei Hosseini Case study: Volume @ of the book Adab al- Taf*. Razi University Master Thesis, Supervisor: Dr. Touraj Zinivand Kermanshah: Razi University (In Persian).
- Ghanimi Hilal, M. (1994). *Comparative Literature*. Translated by Morteza Ayatollah Zadeh Shirazi. Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Ghorbani, M. (2009). *One thousand and one Razavi hadith*. Translated by Ali Ayati, Mashhad: Qaf Mashhad Al-Reza (In Persian).
- Helmi Al-Baghdadi, H. (2020). *Thepure People of Iraq*. Beirut: Institute of Communication (In Arabic).
- Langacker, R. W. (2008a). *Cognitive grammar: A Basik Introduction*. Oxford: Oxford University press.
- Mohseni, A. A. (2017). Reflection of the consequences of tyranny in the poetry of Ahmad Matar. *Journal of resistance Literature*, 9 (16), 238-258 (In Persian).
- Mutnabi, A. H. (Dateless). *Diwan Mutnabi*. Beirut: Dar Saar (In Arabic).
- Pornamdarian, T. & Khosravi Shakib, M. (2008). Metamorphosis of symbols in contemporary poetry. *Two scientific-research quarterly journals (Persian Language and literature research)*. (11), 147-162 (In Persian).
- Safavi, K. (2015). *Applied Semantics*. Third edition. Tehran: Hamshahri (In Persian).
- Sandig, B. (2006). *Textlinguistik des Deutschen, 2. Auflage*, Berlin: Walter de Gruyter.
- Shafi'I Kadkani, M. R. (1992). *Poet of Mirrors*. Third edition. Tehran: Agah (In Persian).
- Shamisa, S. (1994). *Expression*. Fourth edition. Tehran: Ferdows (In Persian).
- Shukri, Gh. (1987). *Resistance Literature*. Translated by Mohammad Hossein Rahmani. Tehran: New (In Persian).
- Taftazani, S. A. (2010). *Brif Explanation*. Sixth edition. Qom: Ismailian (In Arabic).
- Velek, R. & Warren, A. (1994). *Literary theory*. Translated by Zia Movahed and Parviz Mohajer. Tehran: Scientific and Cultural (In Persian).